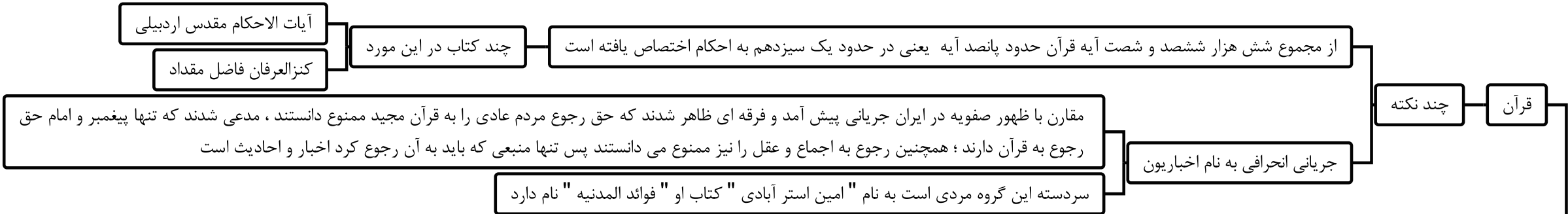


آشنایی با اصول

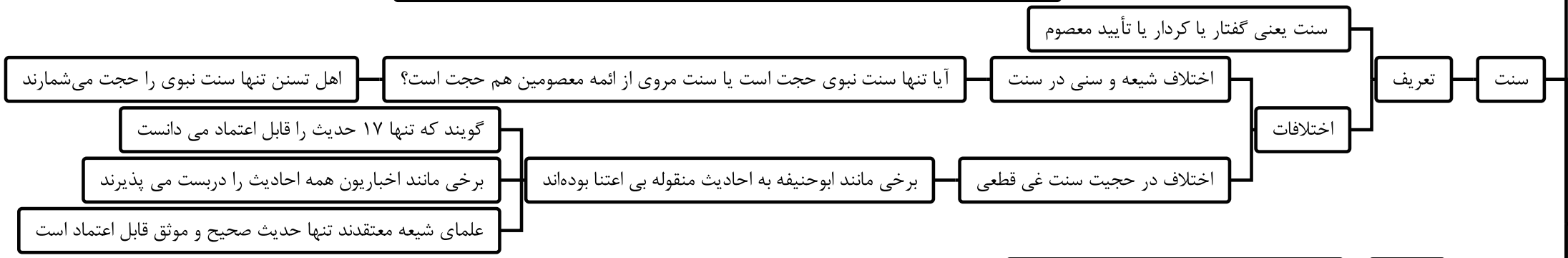
مقدمه



قرآن



سنت



ادله اربعه



تاریخچه مختصر
مسائل علم اصول

آشنایی با اصول

مقدمه
ادله اربعه

مخترع

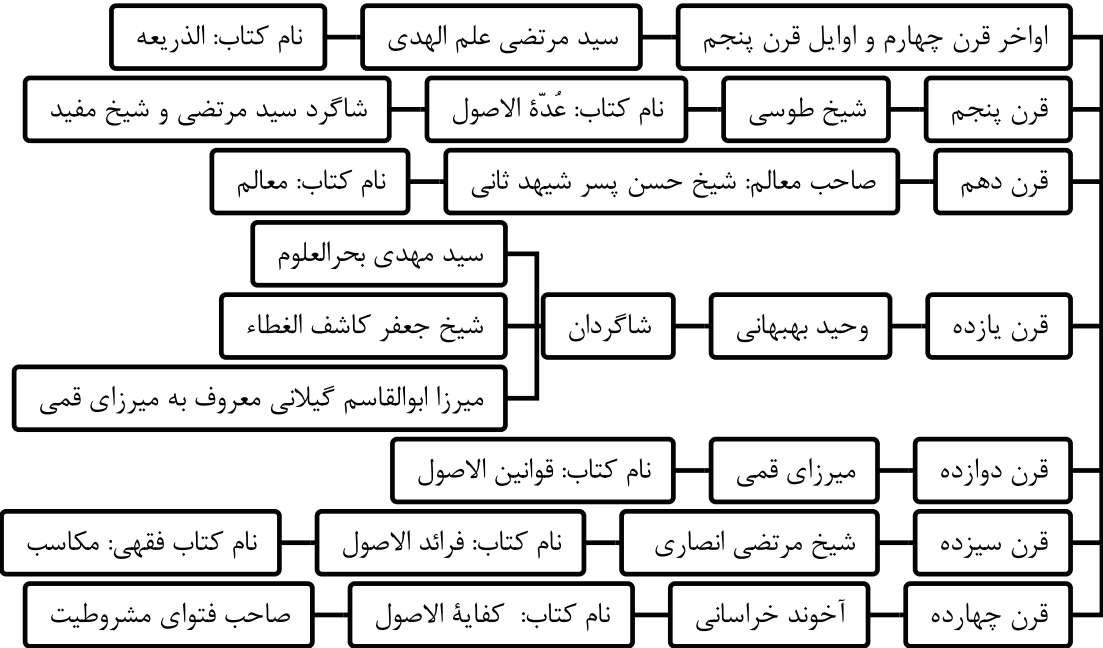
معروف این است که مخترع علم اصول محمدبن ادریس شافعی است

شهید مطهری

قبل از شافعی مسائل اصول مطرح بوده است و درباره هر یکاز آنها از طرف علماء شیعه رساله نوشته شده است

تاریخچه مختصر

تاریخچه علمای شیعه



تعریف

دستور استنباط صحیح احکام شرعی واقعی از منابع مربوطه

اصول استنباطیه

اصول استنباطی نقلی

اهل سنت

دلیل حجیت

« اهل تسنن مدعی هستند که پیغمبر اکرم فرموده است : « لا تجتمع امتی علی خطاء طبق این حدیث ، همه امت مجموعا در حکم شخص پیغمبرند و معصوم از خطا می باشند

شیعه

شیعه اولاً چنین حدیثی را از رسول اکرم مسلم نمی شمارد . ثانیاً می گوید راست است که محال است همه امت بر ضلالت و گمراهی وحدت پیدا کنند؛ اما این بدان جهت است که همواره یک فرد معصوم در میان امت هست. ثالثاً عادتاً هم شاید ممکن نباشد که همه امت بالاتفاق در اشتباه باشند ، ولی آنچه به نام اجماع در کتب فقه یا کلام نام رده می شود اجماع امت نیست ، اجماع گروه است ، منتها گروه اهل حل و عقد ، یعنی علماء امت . تازه اتفاق همه علماء امت نیست ، علماء یک فرقه امت است

اقسام

اجماع محصل

اجماع منقول

اجماعی که خود مجتهد در اثر تفحص در تاریخ و آراء و عقاید . صحابه رسول خدا یا صحابه ائمه یا مردم نزدیک به عصر ائمه ، مستقیماً به دست آورده است

حجت است

اجماعی که خود مجتهد مستقیماً اطلاعی از آن ندارد ، بلکه دیگران نقل کرده اند که این مساله اجماعی است

اگر از نقلی که شده است یقین حاصل نشود قابل اعتماد نیست

- مسائل مشترک کتاب و سنت
- مسائل مربوط به سنت
- مسائل مربوط به کتاب

اصول استنباطی عقلی

مسائل علم اصول

اصول عملیه

آشنایی با اصول

- مقدمه
- ادله اربعه
- تاریخچه مختصر

تعریف

دستور استنباط صحیح احکام شرعی واقعی از منابع مربوطه

مسائل مربوط به اجماع

مبحث اوامر

- جمع امر است . امر یعنی فرمان
- آیا امر دلالت بر وجوب می کند یا بر استحباب یا بر هیچکدام؟
- آیا امر دلالت بر فوریت می کند یا بر تراخی؟
- آیا امر دلالت بر مره می کند یا تکرار؟
- و غیره

مبحث نواهی

- یعنی باز داشتن ، نقطه مقابل امر است
- آیا نهی دلالت بر حرمت می کند یا بر کراهت و یا بر هیچکدام دلالت نمی کند بلکه دلالت بر اعم از حرمت و کراهت می کند ، یعنی فقط دلالت می کند بر اینکه شی مورد نظر ناپسند است؟
- پرسش ها در اینجا
- آیا نهی دلالت می کند بر ابدیت؟

مسائل مشترک کتاب و سنت

مبحث عام و خاص

یک قانون را به صورت کلی و عام ذکر می کنند که شامل همه افراد موضوع قانون می شود . بعد در جای دیگر درباره گروهی از افراد همان موضوع ، حکمی ذکر می کنند که بر خلاف آن قانون کلی و عام است

مبحث مطلق و مقید

مطلق و مقید هم چیزی است شبیه عام و خاص ، چیزی که هست عام و خاص در مورد افراد است و مطلق و مقید در مورد احوال و صفات

مبحث مفاهیم

کلمه مفهوم ، در اصطلاح ، در مقابل منطوق است . رابطه مثبت میان همراهی کردن و کتاب دادن در متن جمله آمده ومورد تلفظ و نطق قرار گرفته است . از اینرو آن را " منطوق " می گویند . ولی رابطه منفی به لفظ نیامده و متعلق نطق قرار نگرفته است ، اما عرفا از چنین جمله ای فهمیده می شود . از اینرو آن را " مفهوم " می خوانند

مبحث مجمل و مبین

گاهی تعبیری در لسان شارع می رسد که مفهومش ابهام دارد و مقصود روشن نیست مثل مفهوم " غنا " ، و در دلیل دیگر چیزی یافت می شود که روشن کننده است

مبحث ناسخ و منسوخ

گاهی دستوری در قرآن و سنت رسیده است که " موقت " بوده است یعنی پس از مدتی دستور دیگر رسیده است و به اصطلاح دستور اول را لغو کرده است

اصول استنباطی نقلی

اصول استنباطیه

مسائل علم اصول

اصول استنباطی عقلی

اصول عملیه

حجیت خبر واحد

تعریف: یعنی روایتی که از پیغمبر یا امام نقل شده ولی راوی یک نفر است و یا چند نفرند ولی به مرحله تواتر نرسیده است ، یعنی در مرحله ای نیست که موجب یقین بشود

اصولیین معتقدند که اگر راوی یا راویان عادل باشند و لاقلاً اگر اطمینانی به راستگویی آنان باشد می توان روایات آنها را مورد استناد قرار داد

حجیت

دلیل حجیت: آیه نبأ ، ان جائکم فاسق بنبأ فتبینوا

مسائل مربوط به سنت

حجیت ظواهر سنت

تعریف: زمانی که روایات در مورد یک چیزی تعارض دارند یا ضد همدیگر هستند

مثلاً روایاتی در یک مرتبه یا سه مرتبه بودن تسبیحات اربعه

تعادل و تراجیح

روش حل تعارض

- گام اول: الجمع مهما امکن اولی من الطرح
- گام دوم: اگر یک طرف به نحوی رجحان داشت آن طرف را می گیریم
- گام سوم: اگر از هر حیث مساوی هستند مخیریم که به هر کدام خواستیم عمل کنیم

نکته

احادیثی که در مورد حل این تعارض هاست را احادیث علاجیه می گویند

مسائل مربوط به کتاب

حجیت ظواهر کتاب

آیا ظاهر قرآن قطع نظر از اینکه وسیله حدیثی تفسیر شده باشد حجت است و فقیه می تواند آنرا مستند قرار دهد یا خیر؟

این بحث را برای رد اخباریون بحث کردند

دلایل اصولیین

- خود قرآن صریح به مردم فرمان به تدبر می دهد
- برای شناخت احادیث مجعول خود معصوم دستور به عرضه به قرآن داده

آشنایی با اصول

تاریخچه مختصر

ادله اربعه

مقدمه

اصول استنباطیه

تعریف

اصول استنباطی نقلی

اصول استنباطی عقلی

مسائل مربوط به عقل

حجیت

حجیت عقل ، هم به حکم عقل ثابت است (آفتاب آمد دلیل آفتاب) و هم به تأیید شرع

ملاکات و مناطات یا فلسفه احکام

استدلال اینجا

صغرا

کبری

نتیجه

احکام شرعی تابع و منبعث از یک سلسله مصالح ومفاسد واقعی است آن حکمتها ، به نحوی است که اگر عقل انسان به آنها آگاه گردد همان حکم را می کند که شرع کرده است

در فلان مورد مصلحت لازم الاستیفائی وجود دارد

هر جا که مصلحت لازم الاستیفائی وجود داشته باشد قطعاً شارع بی تفاوت نیست بلکه استیفاء آن را امر می کند

پس در مورد بالا حکم شرع این است که باید آن را انجام داد

کل ما حکم به العقل حکم به الشرع

در مواردی که عقل به مناط احکام دست نمی یابد ولی می بیند که شارع در اینجا حکمی دارد ، حکم می کند که قطعاً در اینجا مصلحتی در کار بوده والا شارع حکم نمی کرد

کل ما حکم به الشرع حکم به العقل

مسائل

لوازم احکام

مقدمه واجب

آیا وجوب یا حرمت چیزی مستلزم وجوب یا حرمت مقدمات آن هست یا نه ؟

امر به شیء مقتضی نهی از ضد است

انسان در آن واحد قادر نیست دو کاری که ضد یکدیگرند انجام دهد؛ آیا امر به یک شیء مستلزم این هست که از ضد آن نهی شده باشد ؟

ترتیب

اگر دو واجب باشند که نشود هر دو را با هم انجام داد اگر یکی واجب اهم است بر واجب مهم تقدم می دهیم؛ آیا تکلیف ما به اهم، به کلی مهم را از ما ساقط می کند یا سقوطش در فرض مشغول به کار اهم است؟

اجتماع امر و نهی

آیا ممکن است یک کار از دو جهت مختلف ، هم حرام باشد و هم واجب؟

نماز خواندن در زمین غصبی از یک حیث تصرف در مال غیر است و از طرف دیگر با انجام دادن اعمال به صورت خاص عنوان نماز پیدا می کند

اصول عملیه

تعریف

دستور صحیح استفاده از یک سلسله قواعد عملی در صورت یأس از استنباط

چهار اصل عملی

برائت

معنا

یعنی اصل ، این است که ذمه ما بری است و ما تکلیفی نداریم

احتیاط

معنا

یعنی اصل ، این است که بر ما لازم است عمل به احتیاط کنیم و طوری که عمل کنیم که اگر تکلیفی در واقع و نفس الامر وجود دارد انجام داده باشیم

تخییر

معنا

اصل این است که ما مخیریم که یکی از دو تا را به میل خود انتخاب کنیم

استصحاب

معنا

یعنی اصل ، این است که آنچه بوده است بر حالت اولین خود باقی است و خلافتش نیامده است

حالت های مختلف در فرض یأس از استنباط

شک همراه با علم اجمالی

ممکن الاحتیاط است

باید احتیاط بکنیم

ممکن الاحتیاط نیست

زیرا امر ما دائر است میان محذورین یعنی وجوب و حرمت

جای اصل تخییر است

شک بدوی

حالت سابقش معلوم است

اصل استصحاب

اصل استصحاب یک اصل شرعی محض است

لا تنقض الیقین بالشک

حالت سابقش معلوم نیست

اصل برائت